

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۶، شماره ۶۰، تابستان ۱۴۰۳، صص ۵۷۰-۵۹۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۳۱

(مقاله پژوهشی)

DOI:

۵۷۰

«هویت بخشی» در شعر سید اشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) (بر اساس الگوی

کارگزاران اجتماعی و لیون)

دکتر طاهره میرهاشمی^۱، دکتر زهرا رجبی^۲

چکیده

سید اشرف‌الدین گیلانی (۱۲۴۹ - ۱۳۱۲ ش) از شاعران تأثیرگذار عصر مشروطه است که با انتشار روزنامه سیاسی - اجتماعی و سراسر منظوم نسیم شمال نقش موثری در بیدارسازی مردم روزگار خود داشت. «هویت بخشی» یکی از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار سروده‌های اوست که خود زیرشاخه مؤلفه کلی‌تری به نام «طبقه‌بندی» محسوب می‌شود. در پژوهش حاضر نگارندگان با بهره‌گیری از الگوی بازنمایی کارگزاران اجتماعی ون لیون (۱۹۹۶) به بررسی این مؤلفه گفتمان‌مدار در شعر سید اشرف‌الدین گیلانی پرداخته‌اند و کوشیده‌اند به این پرسشها پاسخ دهند: مؤلفه گفتمان‌مدار «هویت بخشی» در شعر سید اشرف منجر به بازنمایی کدام کارگزاران اجتماعی شده است؛ این مؤلفه چه کاربردی در شعر سید اشرف داشته است. نگارندگان برای پاسخ‌دادن به پرسش‌های پژوهش ابتدا به شیوه استقرای تام انواع هویت بخشی را از کلیات نسیم شمال استخراج و طبقه‌بندی کرده و سپس داده‌های پژوهش را با بهره‌گیری از شیوه توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار داده‌اند. مطابق داده‌های پژوهش مؤلفه گفتمان‌مدار «هویت بخشی» در شعر نسیم شمال منجر به بازنمایی کارگزاران متعددی شده که برخی از این کارگزاران عبارتند از: مردم ایران، زنان و دختران، تهیدستان، کودکان و جوانان، مسلمانان، بیوه‌زنان، اطفال فقیران، بچه‌های یتیم، مادران داغدار و... او با بهره‌گیری از «هویت بخشی» افزون بر این که موضع خود نسبت به گروه‌ها و طبقات مختلف و رابطه متقابل این گروه‌ها و طبقات را با خود و سروده‌هایش نشان داده است، به ترسیم و بازنمایی وضعیت نامطلوب بسیاری از کارگزاران اجتماعی هم‌روزگار خویش پرداخته و ضمن انتقاد از وضع موجود، این کارگزاران را - که اغلب عامه مردم و مخاطب اصلی شعر نسیم شمال بوده‌اند - به تلاش برای کسب وضعیتی مطلوب فراخوانده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات مشروطه، سید اشرف‌الدین گیلانی، تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی کارگزاران اجتماعی ون لیون، طبقه‌بندی، هویت بخشی.

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسؤول)

t-mirhashemi@araku.ac.ir

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

z-rajabi@araku.ac.ir

مقدمه

تغییرات بنیادین سیاسی - اجتماعی عصر مشروطه، باعث تحولی عمیق در ادبیات فارسی شد؛ این تحول هم از حیث موضوع و زبان بود و هم از حیث مخاطب. در این عصر شاعران ایرانی از ادبیات پرتعلق درباری دست کشیدند و به سوی عامه مردم روی آوردند و کوشیدند از شعر به عنوان ابزاری برای بیدارسازی مردم استفاده کنند؛ یکی از این شاعران سید اشرف‌الدین گیلانی است. او مهم‌ترین وقایع و اتفاقات روز را به شعر درمی‌آورد و این اشعار را در روزنامه منظوم نسیم شمال چاپ می‌کرد. از دیگر مطالبی که سید اشرف در روزنامه نسیم شمال بدان می‌پرداخت، بیان دردها، محرومیت‌ها و آرزوهای قشر فرودست جامعه با زبانی بسیار ساده و روان بود. شعرهای نسیم شمال آینه تمام‌نمای زندگی مردم عادی بود و همین امر موجب اقبال ایشان به سروده‌های سید اشرف بود. یکی از ویژگی‌هایی که در سروده‌های این شاعر عصر مشروطه دیده می‌شود، توصیف و ترسیم احوال طبقات و گروه‌های مختلف جامعه است. او با توصیف و ترسیم این طبقات و گروه‌ها به شکلی واقع‌گرایانه اوضاع و احوال جامعه آن روزگار را در سروده‌هایش بازنمایی کرده است. نگارندگان مقاله حاضر در این مقاله با استفاده از الگوی نظری کارگزاران اجتماعی ون‌لیوون این مقوله (توصیف و ترسیم احوال طبقات و گروه‌های مختلف جامعه) را که مطابق الگوی ون لیوون «هویت‌بخشی» نامیده می‌شود در سروده‌های سید اشرف بررسی کرده‌اند. توجه به این نکته که سید اشرف در این شعرها به بازنمایی کدام گروه‌ها و طبقات پرداخته است و در نظام اندیشگانی او هر طبقه و گروه چه جایگاهی دارد، می‌تواند دریچه‌ای جدید در بررسی و تحلیل شعر وی باشد. از سوی دیگر «هویت‌بخشی» که مبنای نظری این پژوهش قرار گرفته، جزئی از مولفه‌های گوناگونی است که ون‌لیوون به نام «الگوی کارگزاران اجتماعی» تبیین و ترسیم کرده است. نگارندگان مقاله حاضر کوشیده‌اند با تمرکز بر یکی از این مؤلفه‌ها قابلیت این الگو را برای بسط، گسترش و بومی‌سازی نشان دهند.

پیشینه تحقیق

با توجه به جایگاه سید اشرف‌الدین گیلانی در شعر عصر مشروطه و نقش او در بیدارسازی عامه مردم، تاکنون پژوهش‌های زیادی درباره زندگی، اندیشه و شعر وی انجام شده است که بعضی از آن‌ها را می‌توان در کتاب «شاعر مردم: یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی» (۱۳۸۴) یافت؛ این کتاب به اهتمام علی اصغر محمدخانی چاپ شده و شامل ۲۸ مقاله و نیز کتابشناسی

سید اشرف است. یکی از موضوعاتی که در سروده‌های نسیم شمال نمود محسوس و چشم‌گیری دارد، درونمایه اجتماعی اشعار اوست و پژوهش‌هایی در این حیطه انجام شده است؛ از جمله مقاله «تصویر جامعه در اشعار سید اشرف‌الدین گیلانی» (۱۳۸۹) نوشته افسانه وارسته‌فر و همکاران. نویسندگان این مقاله از انطباق مضامین دیوان سیداشرف با وقایع تاریخی به این نتیجه رسیده‌اند که او، وجدان آگاه زمانه خود بوده است و نابسامانی‌ها، امیدها، اختلافات طبقاتی، فقر و... را در اشعارش منعکس کرده است. محمود رنجیر و علی صفایی در مقاله «بازخوانی جامعه‌شناختی نظریه بلاو در شعر سید اشرف‌الدین گیلانی» (۱۳۹۳) کوشیده‌اند نظریه جامعه‌شناسی پیتر بلاو را در فضای کلی شعر عصر مشروطه و سپس در شعر سیداشرف بازخوانی کنند. یحیی معروف و آیت فتحی در مقاله «مضامین پایداری و مردم‌مداری در اشعار نسیم شمال و بیرم التونسی» (۱۳۹۷) به بررسی تطبیقی مفاهیم فکری مشترک بین این دو شاعر پرداخته‌اند. مفاهیمی همچون انتقاد از بیگانگان و پارلمان، آزادی بیان و بازگو کردن مشکلات زنان، علم‌آموزی و دعوت به پایداری. نویسندگان مقاله مورد بحث، تجربه شرایط مشابه را دلیل نزدیکی اندیشه و نگاه این دو شاعر دانسته‌اند.

چارچوب نظری پژوهش حاضر یعنی الگوی کارگزاران اجتماعی ون لیوون و رویکرد جامعه‌شناختی - معنایی وی نیز در تحلیل و بررسی بعضی متون ادبی مورد استفاده قرار گرفته است؛ از جمله سیامک صاحبی و همکاران در مقاله «بررسی و نقد روایی گلستان بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان» (۱۳۸۹) در چارچوب الگوی ون لیوون چگونگی ساختارهای گفتمان‌مدار را از حیث صراحت و پوشیدگی در جملات، عبارات و متن گلستان بررسی کرده‌اند. مریم شریف و لطف‌الله یارمحمدی در مقاله «بررسی رباعیات خیام از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان‌مدار» (۱۳۹۳) با استفاده از الگوی ون لیوون به تحلیل کیفی ۴۰ رباعی از رباعیات خیام پرداخته‌اند. خسرو غلامعلی‌زاده و همکاران در مقاله «نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی در داستان «آل» بر اساس الگوی ون لیوون» (۱۳۹۶) فقط دو مؤلفه و ساختار گفتمان‌مدار این الگو (طبقه‌بندی و نام‌دهی) را در داستان «آل» بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که نویسنده داستان با استفاده از این دو مؤلفه، دیدگاه خود را با شیوه‌ای پوشیده بیان کرده است. با توجه به پیشینه پژوهش و از آنجا که تا کنون اشعار سیداشرف‌الدین گیلانی با رویکرد جامعه‌شناختی - معنایی ون لیوون

بررسی نشده است، در مقاله حاضر از این رویکرد برای تحلیل سروده‌های وی استفاده می‌شود. نویسندگان از بین مؤلفه‌های گوناگون الگوی کارگزاران اجتماعی ونلیوون فقط مؤلفه «هویت‌بخشی» را که خود از زیرشاخه‌های «طبقه‌بندی» است، در شعر نسیم شمال بررسی می‌کند. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های ارزشمند پیشین در آن است که نویسندگان ضمن پایبند بودن به الگوی ونلیوون می‌کوشند با تمرکز بر مؤلفه‌ای جزئی (هویت‌بخشی)، قابلیت این الگو را برای بسط، گسترش و بومی‌سازی نشان دهند.

روش تحقیق

در این تحقیق نگارندگان با در نظر گرفتن چارچوب نظری پژوهش (رویکرد جامعه‌شناختی - معنایی ونلیوون که از زیرشاخه‌های تحلیل گفتمان انتقادی محسوب می‌شود) و همچنین ابزار روش‌شناختی این رویکرد (الگوی کارگزاران اجتماعی ونلیوون) مؤلفه گفتمان‌مدار هویت‌بخشی را با استفاده از شیوه کمی و استقرای تام از شعر سید اشرف استخراج و طبقه‌بندی کرده و سپس به توصیف و تحلیل داده‌های پژوهش پرداخته‌اند. از آنجا که تحلیل گفتمان انتقادی، روشی کیفی برای کشف لایه‌های زیرین متن است، باید گفت توصیف و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، متن‌محور و از نوع کیفی است.

مبانی تحقیق

تحلیل گفتمان انتقادی

گفتمان (Discourse) نوع و شیوه خاص سخن گفتن درباره جهان است. «گفتمان و زبان با یکدیگر رابطه دوسویه دارند یعنی گفتمان زبان را و زبان گفتمان را می‌سازد و هر دو تحت تأثیر عوامل قدرت و نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرند و به‌نوبه خود به آن‌ها شکل می‌بخشد.» (آقاگل زاده، ۱۳۹۲). «گفتمان» از آنجاکه در هر گفتمان سه بُعد زبان، ایدئولوژی و موقعیت اجتماعی وجود دارد، می‌توان چنین اظهار داشت که در جوامع مختلف بشری به نسبت باورها و موقعیت‌های اجتماعی گوناگون، گفتمان‌های متفاوتی وجود دارد. هر گفتمان ابزاری برای تولید و سازمان‌دهی معنا در اجتماع است. بر این اساس «گفتمان‌ها شیوه‌های دلالتی سازمان‌بندی نظام‌دار تجربه انسان از جهان اجتماعی در قالب زبان و از آن طریق، شیوه‌هایی برای ساختنِ وجوه متنوع دانش انگاشته می‌شوند.» (ادگار و سچ‌ویک، ۱۳۸۷: گفتمان)

تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis) که از آن با عنوان زبان‌شناسی انتقادی (Critical Linguistics) نیز یاد شده به تجزیه و تحلیل متن در بافت اجتماعی می‌پردازد. در این رویکرد همهٔ متن‌ها لزوماً ساختاری ایدئولوژیک دارند و هدف از تجزیه و تحلیل زبان، آشکارسازی روابط پنهان قدرت و نشان دادن عملکرد ایدئولوژی در زبان است. (ر.ک: آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱؛ مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۶۱)

الگوی کارگزاران اجتماعی و نلیوون

در حوزهٔ گفتمان‌شناسی انتقادی رویکردهای متفاوتی وجود دارد و هر یک از نظریه‌پردازان این حیطه با نگاه خاص خویش بدان پرداخته‌اند؛ برای مثال رویکرد فرکلاف به تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی جامعه‌شناختی است؛ و ن‌دایک از منظر اجتماعی و شناختی به این حیطه پرداخته و لاکلو و موفه نظریهٔ خود را از تلفیق و اصلاح مارکسیسم و ساختارگرایی ساخته‌اند؛ اما ون لیوون برای تحلیل متون به شاخص‌های زبان‌شناختی بسنده نکرده و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی را ملاک تحلیل قرار داده است. از نظر او مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی شناختی عمیق‌تر و جامع‌تر از متن به دست می‌دهد تا مؤلفه‌های زبان‌شناختی. ون لیوون الگویی را مطرح کرده است که در زمینهٔ تحلیل گفتمان انتقادی یکی از برجسته‌ترین الگوها محسوب می‌شود. (ر.ک: یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۶۵؛ صاحبی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۶؛ یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۵: ۵۴)

ون لیوون در سال ۱۹۹۶ م. الگوی کارگزاران اجتماعی (The representation of social actors) را مطرح کرد؛ در این الگو منظور از کارگزاران اجتماعی هر یک از مشارکان عمل است که عامل و پذیرندهٔ عمل هر دو را شامل می‌شود. (ر.ک: یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۷) ون لیوون در این الگو دلایل و موقعیت‌هایی از متن را بررسی می‌کند که کارگزاران اجتماعی در آن حضور فعال دارند یا برعکس، به حاشیه رانده شده‌اند. (ر.ک: غلامعلی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۶) ساختارهای گفتمان‌مداری که در این الگو به بازنمایی کارگزاران اجتماعی پرداخته، عبارت است از: الف) ساختارهای مبتنی بر حذف که دو زیرشاخهٔ پنهان‌سازی و کمرنگ‌سازی را شامل می‌شود؛ ب) ساختارهای مبتنی بر اظهار که شامل مؤلفه‌های زیادی نظیر فعال‌سازی و منفعل‌سازی، مشخص‌سازی و نامشخص‌سازی، نوع‌ارجاعی و جنس‌ارجاعی، نام‌دهی و طبقه‌بندی و... می‌شود. (Van Leeuwen, 1996: 66) میزان صراحت ساختارهای مبتنی بر اظهار

در بازنمود کارگزاران اجتماعی به حدی متفاوت است که می‌توان آن‌ها را به دو گروه تقسیم کرد: ۱. ساختارهای صریح مبتنی بر اظهار نظیر فعال‌سازی، مشخص‌سازی، نوع‌ارجاعی، عینی کردن و نام‌دهی؛ ۲. ساختارهای پوشیده مبتنی بر اظهار مانند منفعل‌سازی، نامشخص‌سازی، جنس‌ارجاعی، انتزاعی کردن و طبقه‌بندی. (ر.ک: یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۸۴). از آنجاکه «هویت‌بخشی» یکی از زیرشاخه‌های «طبقه‌بندی» است، پیش از پرداختن بدان در شعر سید اشرف لازم است مختصر توضیحی درباره «طبقه‌بندی» داده شود: بازنمایی کارگزاران اجتماعی بر اساس مشابهت‌ها و عملکردهای مشترکی که با دیگران دارند «طبقه‌بندی» (Categorization) نامیده می‌شود (Van Leeuwen, 1996:52) که شامل زیرشاخه‌های «نقش‌دهی» (Functionalization)، «ارزش‌دهی» (Appraisal) و «هویت‌بخشی» (Identification) است. (همان، ۶۶). در «نقش‌دهی» کارگزاران اجتماعی بر اساس کاری که انجام می‌دهند بازنمایی می‌شوند؛ در «ارزش‌دهی» نحوه بازنمایی کارگزاران اجتماعی همراه با ارزیابی ایشان در جایگاه خوب یا بد، محبوب یا منفور است؛ هویت‌بخشی نیز زمانی اتفاق می‌افتد که کارگزاران اجتماعی بر اساس ویژگی‌هایی ثابت و اجتناب‌ناپذیر بازنمایی شوند که خود به زیرشاخه‌های «طبقه‌ای یا مقوله‌ای» (Classification) «نسبتی» (Relational identification) و «ظاهری» (Physical identification) تقسیم می‌شود. (همان، ۵۴؛ ۵۸).

ادبیات مشروطه

در تاریخ سیاسی ایران انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تغییر گفتمان و به تبع آن تغییر جهان اجتماعی بود. در گفتمان مشروطه بسیاری از ارزش‌ها و مفاهیم تغییر کرد مثلاً مردم ایران که در گفتمان سنتی به عنوان «رعیت» شناخته می‌شدند، در گفتمان مشروطه هویتی تازه یافته و «ملت» نامیده شدند. (ر.ک: خارابی، ۱۳۸۰: ۳۵) که این تغییر مفاهیم و ارزش‌ها نتیجه نزاع گفتمان مشروطه با گفتمان استبدادی بود؛ نزاعی که بارزترین جلوه‌گاه آن را می‌توان در ادبیات مشروطه یافت: «دگرگون شدن محتوای فرهنگ این دوره براساس مسائلی چون پارلمان‌تاریزم، قانون‌خواهی، حق حاکمیت ملت و مفاهیم جدیدی چون مفهوم سیاسی وطن، استقلال و آزادی باعث پیدایی ادبیاتی شده است با محتوایی سخت اجتماعی و انتقادی که هم از جهت سبک و هم از جهت محتوا با ادبیات کلاسیک ایران تفاوت ماهوی و بنیادی دارد.» (آجودانی، ۱۳۸۲:

ادبیات مشروطه ادبیاتی است سیاسی، پرخاشگر، واقع‌نما، جامعه‌گرا و ساده که عصاره عصیان ایرانیان علیه استبداد سیاسی، بی‌قانونی، هرج و مرج اجتماعی و در یک‌کلام، آیینۀ تمام‌نمای جامعه ایران آن زمان محسوب می‌شود. (ر.ک: آژند، ۱۳۶۳: ۲۹؛ ابومحبوب، ۱۳۸۴: ۱۱۰؛ پارسا نسب، ۱۳۸۷: ۲۰۹) شکل‌گیری ادبیات مشروطه مرهون شاعران و نویسندگانی است که می‌کوشیدند با خلق و آفرینش اثر در چارچوب گفتمان مشروطه مردم را از خواب جهل و غفلت بیدار کنند و ایشان را با افکار جدید آشنا سازند؛ هرچند در همان روزگار برخی دیگر از شاعران و نویسندگان همچنان به گفتمان ادبیات کلاسیک دل‌بسته و بعضی نیز نقطه میانی را برگزیده بودند. (ر.ک: موريسن و دیگران، ۱۳۸۰: ۴۵۴؛ زرقانی، ۱۳۸۷: ۱۱۶-۱۱۷)

سید اشرف‌الدین گیلانی

در میان آفرینندگان ادبی آن روزگار نمود قوی گفتمان مشروطه در سروده‌های سید اشرف‌الدین گیلانی (۱۲۴۹ - ۱۳۱۲ ش) او را «شاعر مرکز مشروطیت» کرده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۶۰). او محبوب‌ترین و معروف‌ترین شاعر ملی عهد انقلاب مشروطه بود. (ر.ک: آرین‌پور، ۱۳۷۵: ج ۲: ۶۲) وی با انتشار روزنامه «نسیم شمال» مردم را از اوضاع سیاسی - اجتماعی آن روزگار آگاه می‌کرد. در بین شاعران عصر مشروطه افرادی مثل فرخی و میرزاده عشقی نیز روزنامه‌نگار بوده‌اند، اما هیچ‌یک از آن‌ها به اندازه سید اشرف‌الدین با آن زبان ساده عوامانه نقش بیدارگرانه نداشتند. (ر.ک: گلبن، ۱۳۸۴: ۴۷۰-۴۷۱) وی از سال ۱۳۲۵ ه.ق به‌تنهایی نزدیک بیست سال روزنامه نسیم شمال را منتشر کرد. این روزنامه - که یکی از بهترین روزنامه‌های ادبی و حاوی اشعار جلدی و هجو بوده است - هفته‌ای یک‌بار انتشار می‌یافت و از روزنامه‌های پرتیراژ روز بود. سید اشرف خود را ملزم می‌دانست حوادث و وقایع جاری مملکت را هرروزه به شعر درآورد و در روزنامه نسیم شمال منتشر سازد. او شاعری مردمی بود که می‌کوشید از شعر به‌عنوان ابزاری برای آگاه‌سازی مردمان عامی و عادی - که اغلب بی‌سواد یا کم‌سواد بودند - استفاده کند. «در تهران هر هفته که موضوع تازه سیاسی و اجتماعی مورد بحث و کلاهی مجلس یا جرائد تهران واقع می‌شد سید اشرف همان موضوع را شعر می‌ساخت و در روزنامه خود نشر می‌داد تا مردم عامی به وسیله خواندن «نسیم شمال» که اشعار آن خیلی ساده و روان و عوام فهم بود، از آن موضوع مطلع شوند.» (ریحان، ۱۳۸۵: ۳۳) تلاش

او در بیدارسازی ایرانیان و آزادی ایران به حدی چشم گیر است که اجر وی را در این راه هم تراز با اجر ستارخان دانسته اند. (ر.ک: یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۶)

هرچند سید اشرف در جای جای سروده هایش به صراحت اظهار نظر کرده و دیدگاه اجتماعی و ایدئولوژی خود را بیان داشته است، نباید از این موضوع غافل بود که نظرات و اندیشه های سخن ور همیشه به شکل صریح بیان نمی شوند و در بسیاری موارد حالت ضمنی، مفروض، مخفی یا بدیهی دارند (ر.ک: ون دایک، ۱۳۸۶: ۱۱۷) که برای پی بردن به آن ها لازم است ساختارهای گفتمان مدار متن را مورد بررسی قرار داد. ساختارهای گفتمان مدار (Discursive Structures) مشخصه های زبان شناختی یا جامعه شناختی ای هستند که دیدگاه اجتماعی یا ایدئولوژی خاصی را منعکس می کنند و در اجزای صوتی، واژگانی و نحوی زبان نمود می یابند. (ر.ک: یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۴) توجه به این ساختارهای گفتمان مدار برای درک موضع ایدئولوژیک و دیدگاه اجتماعی سخن گو (در مثنوی گفتاری) و نویسنده یا شاعر (در مثنوی نوشتاری) راهگشاست. بر همین اساس نگارندگان این جستار در ادامه یکی از ساختارهای گفتمان مدار شعر سید اشرف الدین گیلانی (هویت بخشی) را بررسی می کنند و به این پرسش ها پاسخ می دهند: ۱. کدام کارگزاران اجتماعی در شعر نسیم شمال با استفاده از هویت بخشی بازنمایی شده اند؟ ۲. این ساختار گفتمان مدار (هویت بخشی) چه کاربردی در شعر سید اشرف داشته است.

بحث

انواع «هویت بخشی» در شعر سید اشرف الدین گیلانی

الف) هویت بخشی طبقه ای یا مقوله ای

عبارت است از بازنمایی کارگزاران اجتماعی برحسب دسته بندی هایی نظیر سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، ثروت، نژاد، قومیت، دین و... (Van Leeuwen, 1996:54). به بیان دیگر در هویت بخشی طبقه ای کارگزاران اجتماعی برحسب قراردادهای طبیعی، فرهنگی و تاریخی بازنمایی می شوند. (ر.ک: یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۷۴) این نوع هویت بخشی در شعر نسیم شمال نمود چشم گیری دارد؛ به طوری که از بین ۲۲۷۶ موردی که به هویت بخشی تعلق دارد، ۱۶۸۵ مورد مربوط به این حیطه است. در ادامه پربسامدترین انواع هویت بخشی طبقه ای در سروده های وی بررسی می شود:

هویت بخشی بر اساس نژاد

مردم ایران (۵۳۳ مورد)

عمده توجه نسیم شمال در این هویت بخشی معطوف به مردم ایران است. می توان بازنمایی این کارگزاران را در شعر وی به دو دسته کلی و جزئی تقسیم کرد:

بازنمایی کلی مردم ایران (۳۹۷ مورد)

ادبیات عصر مشروطه ادبیاتی «پرخاشگر و ستیزگر بود و توده های وسیعی از مردم را به قصد آموزش و آگاهی از عقب افتادگی و بی ارادگی شان مخاطب قرار می داد» (آژند، ۱۳۶۳: ۲۶) این ویژگی در بازنمایی کارگزاران اجتماعی مورد بحث - که نسیم شمال از آنان با واژگانی مانند «ملت، ایرانیان/ ایرانی، اهل ایران، اهل وطن و هموطنان» یاد کرده - نمود بارزی دارد و سید اشرف در بازنمایی این کارگزاران اغلب به ترسیم انتقادی وضع ایشان پرداخته است. او در شعرهای مختلف علت و بیماری مردم ایران را جهل و نادانی (همان، ۲۱۸-۲۲۰؛ ۵۳۴؛ ۶۹۶؛ ۷۹۱) دانسته، با بازنمایی این کارگزاران در قالب ترکیب های وصفی ای نظیر «ملت خوابیده» (همان، ۲۱۸؛ ۶۹۷-۶۹۹)، «ملت نادان» (همان، ۲۱۸)، «ملت بیچاره» (همان، ۱۹۱؛ ۴۷۶؛ ۵۷۸)، «ایرانی فقیر» (همان، ۳۴۹)، «ملت محنت قرین» (همان، ۵۳۴)، «ملت نالان» (همان، ۶۷۶) و... کوشیده است انفعال، سستی و بی همتی مردم را به ایشان گوشزد و آنان را آماده تغییر اوضاع کند. البته سید اشرف جهت تقویت غرور ملی و تلقین صفات و ویژگی های پسندیده به مردم در بازنمایی این کارگزاران اجتماعی (ملت) از ترکیب های وصفی ای مانند «ملت نجیب» (همان، ۲۹۶)، «ملت دانا و بینا و خبیر» (همان، ۴۳۷) و «ملت وطن خواه» (همان، ۷۹۰) نیز استفاده کرده است.

بازنمایی جزئی مردم ایران (۱۳۶ مورد)

استقبال مردم از روزنامه نسیم شمال و آگاهی سید اشرف از میزان محبوبیت خویش در بین توده مردم (ر.ک: حالت، ۱۳۸۵: ۱۰۸) او را بر آن داشت تا به منظور ایجاد حس همدلی بیشتر با این کارگزاران (مردم ایران) بجای اینکه از آنها با عنوان های کلی ای مثل ملت، خلق، اهل ایران و... یاد کند، به بازنمایی جزئی تر ایشان بپردازد. کارگزارانی که به این شیوه در شعر وی بازنمایی شده اند، عبارت اند از مردم شهرهای مختلفی نظیر مردم تهران (۳۹ مورد)، مردم گیلان (۲۴ مورد)، مردم تبریز (۲۰ مورد) و مردم اصفهان (۱۱ مورد). هدف وی از این بازنمایی های

جزئی اغلب ترسیم اوضاع کارگزاران اجتماعی در شهرهای مختلف بوده است؛ برای مثال وی در شعری با نام «بیکس وطن» (همان، ۳۲۲-۳۲۴) وضع مردم تبریز، طهران و گیلان را این‌گونه ترسیم می‌کند:

تبریزیان تمام دچار مصیبتند
طهرانیان تمام به زلزال وحشتند
گیلانیان تمام گرفتار محنتند

(همان، ۳۲۳-۳۲۴)

همچنین در شعر «فاتحه» (همان، ۲۶۳-۲۶۵) سید اشرف به تلاش ناکام «اهل تهران»، «اهل تبریز» و «اهل گیلان» برای برپا کردن حکومت مشروطه اشاره کرده است. البته در بعضی موارد نیز نسیم شمال - که به استناد سروده‌هایش مردم شهرهای مختلف ایران یار و هوادار او بودند (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۵۷؛ ۶۷۰-۶۷۱؛ ۶۷۴)، با بازنمایی جزئی این کارگزاران درصدد ترسیم اقبال و توجه کارگزاران اجتماعی در شهرهای مختلف نسبت به روزنامه نسیم شمال و شعر خویش بوده است:

اشرف ای شاعر شیرین کلمات
طعنه زد شعر تو بر قند و نبات...
اهل قزوین همه از نام تو شاد...
اهل گیلان همگی یار تواند
یک بیک طالب دیدار تواند...

(همان، ۶۳۶)

اعراب

این کارگزاران در ۳۱ مورد در سروده‌های سید اشرف با واژگان (عرب، عربها و اعراب) بازنمایی شده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که نسیم شمال در بازنمایی این کارگزاران اجتماعی بیشتر تحت تأثیر اندیشه دینی خود بوده است؛ زیرا دین اولین دریچه‌ای بوده که اشرف‌الدین از آن به سایر موضوعات اجتماعی و سیاسی می‌نگریسته است. شیفتگی او به اندیشه و اعتقادات مذهبی بدان حد است که به قوم عرب نیز سرایت می‌کند. (ر.ک: عبداللهی، ۱۳۸۴: ۱۳۷) او به این دلیل که حضرت رسول (ص) عرب بوده، نژاد عرب را سرآمد خلق، «اشرف و افضل»،

«روشنی‌بخش جهان» و «روح مجدد» و خود را با مصرع «به عرب چون ندهم دل که محمد عرب است.» (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۲۲ - ۴۲۴) دلباخته نژاد عرب نامیده است. آن‌گونه که از بررسی اشعار نسیم شمال برمی‌آید، تنها موردی که وی با نگاهی ناسیونالیستی و در جایگاه فردی ایرانی از نژاد عرب سخن گفته، وقتی است که در مقام مفاخره برآمده و شعر خود را مایه نازش ایرانیان بر اعراب دانسته است:

در فکر نسیمند همه ملت شب‌ها عاشق شده بر شعر تو مشروطه‌طلب‌ها
هم از تو کند فخر عجم‌ها به عرب‌ها پیدا شده از نظم تو در خلق ادب‌ها
(همان، ۷۳۴)

اروپایی‌ها

آن‌گونه که از ترجیع‌بند «خاک ایران شده ویران ز سه فیل/روس فیل آن‌گلو فیل آلمان فیل» (همان، ۴۰۴-۴۰۵) برمی‌آید، نسیم شمال دخالت حکومت‌های بیگانه را عامل ویرانی ایران می‌دانسته و با توجه به همین نگاه ناموافق فقط در ۷ مورد به بازنمایی کارگزاران اروپایی با واژگان «فرنگی، فرنگیان» پرداخته است. او در شعر «خطاب به فرنگیان» (همان، ۲۹۹-۳۰۱) - که بیشترین بازنمایی کارگزاران مورد بحث در آن مشهود است - ضمن مقایسه افکار و زندگی ایرانیان و فرنگیان پیشرفت‌های ایشان در علم و صنعت و... را به مردم کشورش گوشزد کرده و به انتقاد از غفلت و راحت‌طلبی هم‌وطنانش پرداخته است.

هویت‌بخشی بر اساس جنسیت

زنان و دختران (۱۹۷ مورد)

وضعیت زنان و دختران ایرانی همزمان بانهضت مشروطه متحول‌شد و به موازات تفکر سنتی و رایج درباره زن، نگرشی نوین تحت تأثیر اندیشه‌های تازه ایجاد شد که در آن به انتقاد از وضعیت اجتماعی زنان می‌پرداختند و بر لزوم آزادی زنان و مشارکت ایشان در انتخابات و اجتماع تأکید می‌شد. (ر.ک: صادقی شهپر، ۱۴۰۰: ۱۲۴) این نگاه نوین به وضعیت زنان و دختران در سروده‌های سید اشرف نیز دیده می‌شود. ازجمله کارهای مهمی که او در جایگاه یکی از شاعران شاخص عصر مشروطه انجام داد، فراخواندن زنان و دختران به عرصه اجتماع و سیاست بود. (ر.ک: غفاری جاهد، ۱۳۸۴: ۳۹۲) این کارگزاران در شعر وی با واژگانی نظیر «زنان، نساء، دخترکان و دوشیزگان» بازنمایی شده‌اند. بسامد قابل توجه این کارگزاران در شعر

وی بیان‌کننده جایگاه خاص ایشان در نظر سید اشرف است. او در سروده‌هایش دختران را «رشدک ملک» (حسینی، ۱۳۸۵: ۵۱۳) و «گنج» (همان، ۷۶۸) و زنان را «میوه باغ بهشت» (همان، ۲۸۷) و «شمع و چراغ خانه» (همان، ۴۹۱) می‌نامد و زندگانی و مهربانی را وابسته به زن می‌داند. (ر.ک: همان، ۷۸۳) نسیم شمال به استناد سروده‌هایش حامی و یاور زنان و دختران بوده (همان، ۱۷۲؛ ۳۰۸؛ ۴۲۹) و برای حمایت از این کارگزاران، مردان روزگار خویش را به رعایت حال و ادای حقوق زنان و دختران فراخوانده است. (ر.ک: همان، ۲۸۷-۲۸۸؛ ۴۹۱) به نظر می‌رسد همین حمایت و طرفداری او از زنان و دختران یکی از دلایل اقبال و توجه این کارگزاران به شعر وی بوده است:

سلام من به تو ای حضرت نسیم شمال	خدای حافظ جان تو باد در همه حال
زنان شهر همه عاشق کلام تواند	تمام مست می معرفت ز جام تواند
میان مدرسه هر دختری که باهوش است	ز لذت کلمات نسیم مدهوش است

(همان، ۳۴۴-۳۴۵)

نسیم شمال با توجه به اقبال این کارگزاران نسبت به شعر خود به پند دادن ایشان پرداخته است (ر.ک: همان، ۳۲۶) و آنان را به کسب علم (ر.ک: همان، ۳۱۱؛ ۵۸۶؛ ۶۰۲؛ ۷۳۱)، کسب هنر و صنعت (ر.ک: همان، ۳۳۱؛ ۳۳۸؛ ۵۱۶)، بیدار شدن از خواب غفلت (ر.ک: همان، ۵۱۳-۵۱۴؛ ۶۰۲) و حفظ عصمت و پاک‌دامنی (ر.ک: همان، ۵۱۵-۵۱۷؛ ۶۰۲؛ ۶۴۱) فراخوانده است.

مردان و پسران (۷۹ مورد)

در سروده‌های نسیم شمال مردان و پسران از دیگر کارگزاران اجتماعی‌ای هستند که با واژگانی همچون «مرد، مردان، پسران و پسرها» بازنمایی شده‌اند. نکته قابل توجه در بازنمایی این کارگزاران آن است که ایشان اغلب همراه با زنان و دختران بازنمایی می‌شوند:

چه شد که اسم نسا کمتر از رجال شده حقوق مادر بیچاره پایمال شده

(همان، ۳۴۶)

آنچه در لایه زیرین این نوع بازنمایی قابل استنباط است، تلاش سخنور برای تبدیل تقابل بین این کارگزاران (که نتیجه نگاه مردسالار جامعه آن روزگار به جایگاه و حقوق زنان و دختران بود) به تعامل است:

تغییر کرده مسلک و عادات مرد و زن

عالی شده است فکر و خیالات مرد و زن
ظاهر شده علوم و کمالات مرد و زن
بی علم و فضل روح مکمل نمی‌شود

(همان، ۳۶۴)

او همان‌گونه که زنان و دختران را به علم و هنرآموزی تشویق می‌کند، مردان و پسران را نیز به کسب علم، داشتن شغل، پرهیز از تنبلی و تن‌پروری فرامی‌خواند. (همان، ۳۵۲؛ ۳۶۴؛ ۵۸۶؛ ۷۳۱).

هویت بخشی بر اساس طبقه اقتصادی - اجتماعی

تهیدستان (۱۳۳ مورد)

سید اشرف‌الدین گیلانی که از میان مردم تهیدست برآمده و بیشتر عمر خود را در فقر و تنگدستی گذرانده بود (ر.ک: مسجدجامعی، ۱۳۸۴: ۱۰۰؛ نورمحمدی، ۱۳۸۴: ۵۰)، خود را شاعر و حامی این طبقه می‌دانست؛ چنانکه بارها در سروده‌هایش به این موضوع اشاره کرده است. (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۵: ۳۳۱؛ ۴۴۸؛ ۵۷۷؛ ۶۱۷؛ ۶۳۷) او خودش را «هوادار فقیران» (همان، ۲۵۷)، «طرفدار جمله فقیران» (همان، ۵۷۶) و «دادرش خیل فقیران» (همان، ۶۷۲) و شعرهایش را «جان‌بخش» (همان، ۶۶۴) و «یار و معین» فقیران (همان، ۶۷۲) نامیده است. تهیدستان در سروده‌های وی با واژگانی مانند «فقیر، فقیران، رعیت و رعایا» بازنمایی شده‌اند: «یک طرف مانده رعیت همه عریان و فقیر.» (همان، ۱۸۷) صداقت و صمیمیتی که وی در بازنمایی اوضاع این کارگزاران (تهیدستان) داشته او را به «مردمی‌ترین شاعر انقلاب مشروطیت» (مسجدجامعی، ۱۳۸۴: ۱۰۰) تبدیل کرده است. او همیشه نگران رنج‌ها و سختی‌های بود که طبقه فرودست و فقیر جامعه ناچار به مواجهه با آن بودند؛ برای مثال در شعر «مقایسه حال فقرا و اغنیا» (حسینی، ۱۳۸۵: ۶۶۵-۶۶۸) به بازنمایی رنج و درد فقیران می‌پردازد و سختی اوضاع ایشان را در «شدت سرمای زمستان» ترسیم می‌کند.

نکته‌ای که از نظر نگارندگان در بازنمایی این کارگزاران اجتماعی در شعر نسیم شمال قابل توجه است، موضع انفعالی او در مقابل نداری و فقر آنهاست. او هرگز فقیران را به تلاش و تکاپوی بیشتر برای رها شدن از وضع موجود فرامی‌خواند و عمده تلاشش در بازنمایی این کارگزاران ترسیم سختی‌های زندگی ایشان و کمک خواستن برای آنان است. شاید این موضع

انفعالی سید اشرف - که خود نیز گرفتار فقر و تنگدستی بود - از آنجا نشأت گرفته باشد که در تجربه جهان زیسته وی تهیدستی نه امری خودخواسته و نتیجه رخوت و سستی که ثمره ستم ظالمان بوده است؛ به بیان دیگر از نظر نسیم شمال، فقیران افراد مظلوم و بی دفاعی هستند که ستمگران اموالشان را تاراج کرده اند:

خدا لعنت کند دزدان خاک پاک ایران را گروه بی حیا و بی حجاب و نامسلمان را
خدانشناس و بی رحم آن سگ بی دین و ایمان را که بلعیده است مثل اژدها مال فقیران را
(همان، ۵۵۶)

ثروتمندان (۸۵ مورد)

از آنجاکه سید اشرف بیشتر عمر خود را در فقر گذرانده بود، در سروده هایش پیوسته از تهیدستان طرفداری می کرد و اعتنایی به طبقات ممتاز و ثروتمند جامعه نداشت. او «گدای راه نشین را بر مالدار کاخ نشین» (آرین پور، ۱۳۸۵: ۷۹-۸۰) ترجیح می داد؛ شاید به همین دلیل است که بسامد بازنمایی تهیدستان در شعر وی بیش از بسامد بازنمایی ثروتمندان است: او فقط در ۸۵ مورد به بازنمایی ثروتمندان پرداخته و در بازنمایی ایشان از واژگانی مانند «غنی، اغنیا، اعیان و اشراف» استفاده کرده است: با آنکه نسیم شمال در بعضی سروده هایش از این کارگزاران (ثروتمندان) برای فقیران طلب یاری کرده (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۵: ۲۷۰؛ ۴۲۵؛ ۵۹۶)، آن گونه که از دیگر شعرهایش برمی آید، امید چندانی به حمایت اغنیا از فقیران نداشته، ایشان را بی خبر از و بی توجه به حال فقرا (ر.ک: همان، ۲۴۱؛ ۶۱۱؛ ۶۴۹؛ ۷۰۱) و گاه فراتر از آن «خصم جان فقرا» (همان، ۲۸۱) و بیزار از ایشان دانسته است:

اغنیا از فقرا بیزارند ربنایانک رحمن رحیم
(همان، ۴۴۸)

هویت بخشی بر اساس سن

کودکان (۷۷ مورد)

در عصر مشروطه، بافت سنتی ایران را والدین بی سواد و کودکان مکتب رفته، می ساخت و آمار کودکان باسواد بیش از بزرگ سالان باسواد بود؛ این کودکان مکتب رفته، آثار اشرف را برای بزرگ سالان بی سواد می خواندند و خود نیز از ترنم اشعار ساده و روان سید لذت می بردند. اشرف باوقوف به این موضوع که کودکان بسیاری شعرهای او را می خوانند، افکارش را به شیوه

مستقیم با خود آنان در میان می‌گذاشت. (ر.ک: اسکویی، ۱۳۸۴: ۲۶۵) او با واژگانی مانند «اطفال، طفل، بچه‌ها و کودکان» به بازنمایی این کارگزاران پرداخته و ضمن انتقاد از کوچه‌گردی و بیکاری بچه‌ها (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۵: ۲۸۹؛ ۲۹۴؛ ۳۳۰؛ ۶۰۲) ایشان را به یادگیری علوم، رعایت ادب و کوشش برای رهایی از جهل و موهومات دعوت کرده است. (همان، ۳۱۲؛ ۶۰۲؛ ۷۲۹)

جوانان و نوجوانان (۷۳ مورد)

این کارگزاران در شعر سید اشرف با واژگانی همچون «جوان، جوانان و نوجوانها» بازنمایی شده‌اند. شاعر در این بازنمایی‌ها گاه از جوانان و نوجوانانی که جانشان را در راه کشور و انقلاب داده‌اند، یاد می‌کند. (ر.ک: همان، ۱۶۱؛ ۲۶۷؛ ۳۱۹؛ ۵۳۴؛ ۷۱۷-۷۱۸) گاه با انتقاد از خواب غفلت جوانان، اوضاع کشور را برای این کارگزاران ترسیم می‌کند و موقعیت‌های خطیری همچون از دست رفتن مملکت را به ایشان یادآور می‌شود (ر.ک: همان، ۴۱۲) و چون حفظ وطن را «مخصوص جوانان» می‌داند (ر.ک: همان، ۷۸۵) آنان را به جانبازی، همت و تلاش برای حفظ وطن فرامی‌خواند. (ر.ک: همان، ۶۴۹؛ ۶۶۷) هم‌چنین از آنجاکه وی بی‌ادبی، جهل و نادانی را عامل تباهی و عقب‌ماندگی کشور می‌دانست (همان، ۲۰۴؛ ۳۰۹؛ ۳۵۰)، جوانان و نوجوانان را به علم و ادب دعوت می‌کرد. (ر.ک: همان، ۳۴۹-۳۵۲؛ ۵۸۶؛ ۷۲۹-۷۳۱)

پیران (۲۹ مورد)

این کارگزاران در شعر نسیم شمال با واژگانی نظیر «پیر، پیرمردان و پیرزن» بازنمایی شده‌اند. آنچه در بازنمایی کارگزاران مورد بحث قابل توجه است، آن است که از مجموع ۲۹ موردی که به این کارگزاران تعلق دارد، در ۱۵ مورد هم‌آبی واژه «پیر» با واژه «جوان» مشهود است؛ در چنین مواردی نمی‌توان تشخیص ویژه‌ای برای «پیران» (به‌عنوان یکی از کارگزاران اجتماعی در شعر نسیم شمال) قائل شد چراکه هم‌تراز «جوانان» بازنمایی می‌شوند: «پیر و جوان فکر سرافرازیند». (همان، ۲۷۷) سید اشرف در بازنمایی خاص «پیران» گاه به ظلم و ستمی که به آن‌ها روا شده، اشاره می‌کند (ر.ک: همان، ۲۶۰؛ ۴۲۲؛ ۷۸۹) و گاه پیران گمراه را شماتت و به توبه دعوت می‌کند. (ر.ک: همان، ۴۸۰) گاه نیز به دشمنی پیران نادان با تجدد و نوآوری اشاره کرده است؛ برای مثال وی در شعر «زبان حال پیرمردان بر ضد تجدد» (همان، ۳۳۴-۳۳۶) چنین تصویری از این کارگزاران ترسیم می‌کند: پیرمردانی بی‌علم و خودخواه که آزادی خلق از

اسارت و تلاش کودکان برای فراگیری علم و صنعت را بدعت دانسته، افسوس می‌خورند که بازار خرافات برچیده شده است.

هویت‌بخشی بر اساس دین

مسلمانان (۹۰ مورد)

این کارگزاران در سروده‌های نسیم شمال با واژگانی مانند «اسلامیان، شیعه، سنی و مسلمان» بازنمایی شده‌اند. نکته قابل توجه در بازنمایی کارگزاران موردبحث آن است که در اغلب موارد، ایشان درواقع همان مردم ایران (هویت‌بخشی بر اساس نژاد) هستند که این بار در حوزه هویت‌بخشی دینی بازنمایی شده‌اند؛ بیشتر این بازنمایی‌ها نیز به منظور تحریک و ترغیب کارگزاران موردبحث به صیانت از دین و حفظ وطن بوده است. (ر.ک: همان، ۲۷۰؛ ۴۲۴؛ ۶۹۴):

اسلام رفت غیرت اسلامیان چه شد

ناموس رفت همت ایرانیان چه شد

(همان، ۳۲۴)

او همه مسلمانان را صرف‌نظر از مذهبشان به اتحاد و هم‌دلی فرامی‌خواند و بدیشان این نکته را گوشزد می‌کند که «خیال مدعیان» (همان، ۲۴۹) آن است که با ایجاد دشمنی بین شیعه و سنی دین اسلام را نابود کنند.

غیرمسلمانان (۵۹ مورد)

این کارگزاران را می‌توان در سروده‌های سید اشرف به دو گروه تقسیم کرد: الف) دین‌داران که عبارت‌اند از یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و هندویان. نسیم شمال ایشان را با واژگانی مانند «یهودان، ارمنی، مجوس و هندو» بازنمایی کرده است؛ ب) بی‌دینان که در شعر سید اشرف با واژگانی همچون «کافر، دهری و مشرک» بازنمایی شده‌اند. نسیم شمال بی‌دینان را اغلب در تقابل با مسلمانان قرار می‌دهد (ر.ک: همان، ۲۲۰؛ ۲۹۳؛ ۳۲۴؛ ۴۲۲) و این نکته را به مردم یادآور می‌شود که: «مسلم مطیع ظالم و کافر نمی‌شود.» (همان، ۲۹۶)

تعصب دینی سید اشرف در بازنمایی کارگزاران موردبحث بیشتر درباره بی‌دینان نمود می‌یابد؛ چنین به نظر می‌رسد که وی در بازنمایی غیرمسلمانان دین‌دار اغلب تحت تأثیر اندیشه‌های ناسیونالیستی بوده است؛ چراکه «ناسیونالیسم جریان فکری و سیاسی غالب عصر او بود، ... سید

اشرف نیز همانند دیگر کوشندگان دوره مشروطه تحت تأثیر آن قرار داشت» (صدری‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۰۴). به همین دلیل او فارغ از تعصبات دینی هم‌وطنان «مسلمان و یهود و ارمنی» را به وفاق و همدلی فرامی‌خواند. (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۵: ۲۷۸)

ب) هویت‌بخشی نسبتی

کارگزاران اجتماعی را برحسب روابط شخصی، فامیلی یا کاری با یکدیگر معرفی می‌کند. (Van Leeuwen, 1996:56). در شعر نسیم شمال از مجموع ۲۲۷۶ مورد هویت‌بخشی، ۵۴۱ مورد هویت‌بخشی نسبتی است که از این میان ۴۲۸ مورد به هویت‌بخشی بر اساس روابط خویشاوندی، ۷۳ مورد به هویت‌بخشی بر اساس روابط شخصی و ۴۰ مورد به هویت‌بخشی بر اساس روابط کاری اختصاص یافته است.

به استناد نظریون‌لیوون در جوامع غیر غربی هویت‌بخشی نسبتی نقشی کلیدی ایفا می‌کند. به‌عنوان مثال بومیان استرالیا وقتی که برای نخستین بار یکدیگر را ملاقات می‌کنند، خود را به‌صورت ابتدایی برحسب هویت‌های خویشاوندی معرفی می‌کنند؛ زیرا آن‌ها روابط جدید خود را بر اساس روابط پیشینی که در آن سهیم هستند، پایه‌گذاری می‌کنند. (ر.ک: همان) نسیم شمال نیز نظر به بافت سنتی جامعه و جایگاه خاص روابط خویشاوندی در آن روزگار توجه ویژه‌ای به هویت‌بخشی بر اساس روابط فامیلی داشته است؛ مثلاً وی در شعر «ویران» (ر.ک: همان، ۲۳۱-۲۳۳) به ترسیم زندگی «زارع» و مقایسه آن با زندگی «ارباب» می‌پردازد و احوال همسر، دختر و پسر زارع را در تقابل با زندگی همسر، دختر و پسر ارباب بازنمایی می‌کند. ترسیم اوضاع و احوال اطفال فقیران، بچه‌های یتیم، بیوه‌زنان و مادران داغدار (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۵: ۱۶۵؛ ۲۰۲؛ ۳۳۸) در شعر سید اشرف نمودی از این نوع هویت‌بخشی است.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که گاهی هویت‌بخشی خویشاوندی در شعر نسیم شمال بدون وجود روابط واقعی خویشاوندی و صرفاً به‌منظور ایجاد همدلی بیشتر در مخاطب بوده است؛ برای مثال در شعر «فصل بهار» (همان، ۳۰۹ - ۳۱۲) که خطاب به دختران سروده شده، این کارگزاران اجتماعی در مصرع ترجیعی «ای دختر من درس بخوان فصل بهار است» با ترکیب «دختر من» بازنمایی شده‌اند؛ به‌زعم نگارندگان در این شعر سخنور برای از بین بردن فاصله بین خود و کارگزاران موردبحث (دختران) و هم‌چنین به‌قصد تأثیرگذاری بیشتر بر ایشان از این نوع هویت‌بخشی (نسبتی) استفاده کرده است.

گاهی نیز نسیم شمال به بازنمایی کارگزاران اجتماعی بر اساس روابط شخصی پرداخته، بیشتر کارگزارانی که با این نوع هویت بخشی در شعر وی بازنمایی شده‌اند عبارت‌اند از دوستان که با واژگانی مانند «رفیق، رفیقان و یاران» از ایشان یاد شده است. او در بازنمایی کارگزاران مورد بحث گاهی از جهل و غفلت ایشان انتقاد نموده: «ای رفیقان خواب غفلت تا بکی» (همان، ۷۹۰) در مواردی نیز میهن دوستی و جان فشانی‌های ایشان را ترسیم کرده است. (ر.ک: همان، ۴۰۰)

آن گونه که از داده‌های پژوهش برمی آید، نسیم شمال توجه چندانی به هویت بخشی بر اساس روابط کاری نداشته است و این نوع هویت بخشی در شعر وی نمود چندانی ندارد. حیطه روابط کاری کارگزارانی که با این نوع هویت بخشی در شعر نسیم شمال بازنمایی شده‌اند نیز بسیار محدود و متناسب با فضای سنتی آن روزگار است؛ بعضی از این کارگزاران عبارت‌اند از «استاد» (همان، ۱۵۹؛ ۲۰۳؛ ۳۱۲)؛ «شاگرد» (همان، ۱۵۹؛ ۳۱۱) و «معلم» (همان، ۳۱۱؛ ۳۱۲؛ ۴۰۹؛ ۵۸۳؛ ۵۹۸).

هویت بخشی ظاهری

کارگزاران اجتماعی را برحسب خصوصیات فیزیکی و ظاهری منحصربه‌فرد آن‌ها در یک بافت مشخص بازنمایی می‌کند. (Van Leeuwen, 1996:57). به دلیل نمود اندک این نوع هویت بخشی در شعر نسیم شمال می‌توان چنین استنباط کرد که وی در هویت بخشی کارگزاران اجتماعی توجه چندانی به خصوصیات ظاهری ایشان نداشته و بین کارگزاران مختلفی که در شعر وی بازنمایی شده‌اند، نشان چندانی از هویت ظاهری ایشان یافت نمی‌شود؛ این امر (توجه نداشتن به خصوصیات ظاهری کارگزاران اجتماعی) می‌تواند ریشه در نگاه «وارسته بی‌اعتنا به همه‌کس و همه‌چیز» (نفیسی، ۱۳۸۵: ۹) سید اشرف داشته باشد. در شعر وی فقط ۵۰ مورد بازنمایی کارگزاران بر اساس ویژگی‌های ظاهری ایشان دیده می‌شود. آن گونه که از داده‌های پژوهش استنباط می‌شود، سید اشرف در هویت بخشی ظاهری اغلب تحت تأثیر سنت‌های ادبی بوده، کارگزاران اجتماعی را با ترکیب‌هایی نظیر «گلرخان» (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۰۶؛ ۲۸۴؛ ۷۳۰؛ ۷۶۱) و «لاله‌رخان» (همان، ۲۸۲؛ ۶۳۴؛ ۶۷۰؛ ۷۳۲) بازنمایی کرده است؛ برای مثال سید اشرف «لاله‌رخان مشکمو» و «سبز خطان ماهرو» را عاشق شعرش و شیفته کلامش دانسته است. (ر.ک: همان، ۶۷۰)

بعضی دیگر از واژگان و ترکیب‌هایی که در شعر نسیم شمال منجر به هویت‌بخشی ظاهری کارگزاران اجتماعی شده، عبارت است از: «کور و کچل» (همان، ۲۳۵)؛ «مو دار و کچل» (همان، ۲۶۶)، «کور و کرها» (همان، ۷۱۸)، «کوران و شلان» (همان، ۳۷۲) و...؛ برای مثال او در شعر «گوش شنوا کو» (همان، ۲۴۴-۲۴۵) مردم ایران را با واژگان «شل و کور» و «کوران ستم‌دیده» بازنمایی و رواج جهل، بی‌سوادی و بیماری را در بین این کارگزاران ترسیم کرده است.

نتیجه‌گیری

سید اشرف‌الدین گیلانی از شاعران تأثیرگذار عصر مشروطه است که با انتشار مطالب سیاسی و اجتماعی در روزنامه نسیم شمال نقش مؤثری در آگاه کردن ایرانیان از اوضاع و شرایط آن روزگار داشته است. هرچند وی دیدگاه اجتماعی و نظرات ایدئولوژیک خود را در شعرهایش منعکس کرده، در بسیاری موارد این نظرات و اندیشه‌ها در زیرساخت متن نهفته‌اند که برای پی بردن به آن‌ها لازم است ساختارهای گفتمان‌مدار متن را مورد بررسی قرار داد. مقاله حاضر به‌منظور درک هرچه بهتر موضع ایدئولوژیک و دیدگاه اجتماعی این شاعر ملی عصر مشروطه، یکی از ساختارهای گفتمان‌مدار شعر وی (هویت‌بخشی) را مطابق با الگوی بازنمایی کارگزاران اجتماعی ون لیوون (۱۹۹۶) مورد بررسی قرار داده که دستاورد پژوهش در دو محور کلی قابل‌ارائه است:

۱. از بین انواع هویت‌بخشی (طبقه‌ای یا مقوله‌ای، نسبتی و ظاهری) هویت‌بخشی طبقه‌ای بیشترین نمود را در شعر سید اشرف دارد. چشم‌گیرترین انواع هویت‌بخشی طبقه‌ای در شعر نسیم شمال به ترتیب عبارت است از: هویت‌بخشی بر اساس نژاد، جنسیت، طبقه اقتصادی - اجتماعی، سن و دین. کارگزاران اجتماعی متعددی با هویت‌بخشی طبقه‌ای در شعر نسیم شمال بازنمایی شده‌اند؛ از جمله مردم ایران (نژاد)، زنان و دختران (جنسیت)، تهیدستان (طبقه اجتماعی - اقتصادی)، کودکان (سن) و مسلمانان (دین). از بین انواع هویت‌بخشی نسبتی (روابط خویشاوندی، شخصی و کاری) بیشترین توجه نسیم شمال به هویت‌بخشی بر اساس روابط خویشاوندی بوده که این موضوع ریشه در بافت سنتی آن روزگار دارد؛ چراکه در جوامع سنتی روابط فامیلی جایگاه ویژه‌ای دارد. بعضی از کارگزاران اجتماعی‌ای که با هویت‌بخشی نسبتی در شعر نسیم شمال بازنمایی شده‌اند، عبارت‌اند از: بچه‌های یتیم، بیوه‌زنان، مادران داغدار و اطفال فقیران. هویت‌بخشی ظاهری کارگزاران اجتماعی در شعر نسیم شمال بیشتر

تحت تأثیر سنت‌های ادبی است؛ به همین دلیل او در بازنمایی بعضی کارگزاران از ترکیب‌هایی مانند لاله‌رخ و گلرخ استفاده کرده است. البته سید اشرف توجه چندانی به هویت‌بخشی ظاهری نداشته که این امر از نگاه وارسته و بی‌اعتنای وی به مظاهر مادی نشأت گرفته است.

۵۸۹

۲. آن‌گونه که از داده‌های پژوهش و بحث‌های مطرح‌شده پیشین برداشت می‌شود، نسیم شمال با بهره‌گیری از مؤلفه «هویت‌بخشی» هم موضع خود را نسبت به گروه‌ها و طبقات مختلف و رابطه متقابل این گروه‌ها و طبقات را با خود و سروده‌هایش نشان داده است؛ هم با بازنمایی جهل، غفلت، بی‌ادبی، فقر، ستم‌پذیری، تفرقه و دیگر موارد اسفباری که بسیاری از کارگزاران اجتماعی آن روزگار بدان مبتلا بودند، کوشیده است این کارگزاران را از وضعیت نامطلوبشان آگاه کند و با ایجاد حس همدلی و تأثیرگذاری بر احساسات و عواطف آنان تا جایی که ممکن است ایشان را برای رهایی از وضع موجود و ایجاد وضعیتی مطلوب به تلاش وادارد.

منابع

کتاب‌ها

- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۲). *یا مرگ یا تجدد*، تهران: اختران.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۵). *از صبا تا نیما*، جلد ۲، تهران: زوآر.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۸۵). *نسیم شمال در کلیات جاودانه نسیم شمال*، به کوشش حسین نمینی تهران: اساطیر.
- آژند، یعقوب. (۱۳۶۳). *ادبیات نوین ایران*، تهران: امیرکبیر.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۲). *فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*، تهران: نشر علمی.
- ابومحسوب، احمد. (۱۳۸۴). *بوطیقای شعر مشروطه و اشرف‌الدین حسینی در شاعر مردم: یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)*، به اهتمام علی اصغر محمدخانی، تهران: سخن.
- ادگار، اندرو و سچ‌ویک، پیتر. (۱۳۸۷). *مفاهیم بنیادی نظریه فرهنگی*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.

اسکویی، نرگس. (۱۳۸۴). نگاهی به کاربردهای ادبیات کودکان در اشعار نسیم شمال در شاعر مردم: یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)، به اهتمام علی‌اصغر محمدخانی. تهران: سخن.

پارسان‌سب، محمد. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی ادبیات فارسی: از آغاز تا سال ۱۳۵۷، تهران: سمت.

حسینی، اشرف‌الدین. (۱۳۸۵). کلیات جاودانه نسیم شمال، به کوشش حسین نمینی، تهران: اساطیر.

خارابی، فاروق. (۱۳۸۰). سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه، تهران: دانشگاه تهران. ریحان، یحیی. (۱۳۸۵). به یاد مرحوم سید اشرف‌الدین گیلانی در کلیات جاودانه نسیم شمال، به کوشش حسین نمینی، تهران: اساطیر.

زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۷). چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). با چراغ و آینه در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران، تهران: سخن.

صدری‌نیا، باقر. (۱۳۸۴). سید اشرف‌الدین حسینی، ناسیونالیست اسلامگرا در شاعر مردم: یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)، به اهتمام علی‌اصغر محمدخانی، تهران: سخن. عبداللهی، منیژه. (۱۳۸۴). نگاهی به اندیشه و شعر نسیم شمال در شاعر مردم: یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)، به اهتمام علی‌اصغر محمدخانی، تهران: سخن.

غفاری جاهد، مریم. (۱۳۸۴). سید اشرف‌الدین و مسئله زنان در شاعر مردم: یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)، به اهتمام علی‌اصغر محمدخانی، تهران: سخن.

گلبن، محمد. (۱۳۸۴). ملک الشعراء بهار و سید اشرف‌الدین حسینی در شاعر مردم: یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)، به اهتمام علی‌اصغر محمدخانی، تهران: سخن.

مسجدجامعی، احمد. (۱۳۸۴). شاعر ملی در شاعر مردم: یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)، به اهتمام علی‌اصغر محمدخانی، تهران: سخن.

مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۵). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.

Abdollahi, M. (2005). *A Look at the Thought and Poetry of Nasim E Shomal in the People's Poet: Memoirs of Seyyed Ashraf al-Din Hosseini (Nasim E Shomal)*, by Ali Asghar Mohammadkhani, Tehran: Sokhan. [In Persian]

- Abu Mahboob, A. (2005). *Poetics of Constitutional Poetry and Ashraf al-Din Hosseini in the People's Poet: Memoirs of Seyyed Ashraf al-Din Hosseini (Nasim E Shomal)*, by Ali Asghar Mohammadkhani, Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Aghagolzadeh, F. (2006). *Critical Discourse Analysis*, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Aghagolzadeh, F. (2013). *Descriptive Culture of Discourse Analysis and Applied Studies*, Tehran: Scientific Publication. [In Persian]
- Ajoudani, M. A. (2003). *or Death or Modernity*, Tehran: Akhtaran. [In Persian]
- Arinpour, Y. (1996). *From Saba to Nima*, Volume 2, Tehran: Zavar. [In Persian]
- Arinpour, Y. (2006). *Nasim E Shomal in the eternal generalities of Nasim E Shomal*, by Hossein Namini, Tehran: Asatir. [In Persian]
- Azhand, Y. (1984). *Modern Iranian Literature*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Edgar, A. & Sejwick, P. (2008). *Fundamental Concepts of Cultural Theory*, Trans. Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Agah. [In Persian]
- Ghaffari Jahed, M. (2005). *Seyyed Ashrafuddin and the issue of women in the poet of the people: Memoirs of Seyyed Ashrafuddin Hosseini (Nasim E Shomal)*, by Ali Asghar Mohammadkhani, Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Golbon, M. (2005). *Malek o alshoaraye Bahar and Seyyed Ashrafuddin Hosseini in The Poet of the People: Memoirs of Sayyid Ashraf al-Din Hosseini (Nasim E Shomal)*, by Ali Asghar Mohammadkhani, Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Hosseini, A. (2006). *The Eternal Generalities of Nasim E Shomal*, by the efforts of Hossein Namini, Tehran: Asatir. [In Persian]
- Jorgensen, M. & Phillips, L. (2016). *Theory and Method in Discourse Analysis*, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Kharabi, F. (2001). *Politics and society in the poetry of the constitutional era*, Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Makarik, I. R. (2006). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theories*, Trans. Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Agah. [In Persian]
- Masjed Jamei, A. (2005). *National Poet in the Poet of the People: Memoirs of Seyyed Ashraf al-Din Hosseini (Nasim E Shomal)*, by Ali Asghar Mohammadkhani, Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Morrison, G. & others. (2001). *History of Iranian literature from the beginning to the present*, Trans. Yaghoub Azhand, Tehran: Gostareh. [In Persian]
- Nafisi, S. (2006). *Seyyed Ashraf al-Din Gilani in the eternal generalities of Nasim E Shomal*, by Hossein Namini, Tehran: Asatir. [In Persian]
- Noor Mohammadi, M. (2005). *Untold Stories about the Life of Seyyed Ashraf al-Din Hosseini in the People's Poet: Memoirs of Seyyed Ashraf al-Din Hosseini (Nasim E Shomal)*, by Ali Asghar Mohammadkhani, Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Oskooi, N. (2005). *A Look at the Applications of Children's Literature in Nasim E Shomal's Poems in the People's Poet: Memoirs of Seyyed Ashrafuddin Hosseini (Nasim E Shomal)*, by Ali Asghar Mohammadkhani, Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Parsa Nasab, M. (2008). *Sociology of Persian Literature: From the Beginning to 1978*, Tehran: Samt. [In Persian]
- Reyhan, Y. (2006). *in memory of the late Seyyed Ashraf al-Din Gilani in the eternal generalities of the Nasim E Shomal*, by Hossein Namini, Tehran: Asatir. [In Persian]

Sadrinia, B. (2005). *Seyyed Ashrafuddin Hosseini, Islamist nationalist in the poet of the people: Memoirs of Seyyed Ashrafuddin Hosseini (Nasim E Shomal)*, by Ali Asghar Mohammadkhani, Tehran: Sokha. [In Persian]

Shafiee Kadkani, M. R. (2011). *with lights and mirrors in search of the roots of the evolution of contemporary Iranian poetry*, Tehran: Sokhan. [In Persian]

Yarmohammadi, L. A. (2006). *Communication from the Perspective of Critical Discourse*, Tehran: Hermes. [In Persian]

Yarmohammadi, Lotfollah (2004) *Current and Critical Discourse*, Tehran: Hermes. [In Persian]

Yousefi, Gh. H. (2005). *The poet of the people in the poet of the people: Memoirs of Seyyed Ashraf al-Din Hosseini (Nasim E Shomal)*, by Ali Asghar Mohammadkhani, Tehran: Sokhan. [In Persian]

Zarghani, S. M. (2008). *Perspectives on Contemporary Iranian Poetry*, Tehran: Sales. [In Persian]

Articles

Gholam Alizadeh, Khosrow et al. (2017) Naming and Classification of Social Actors in the Story of "Al" Based on the Van Leeuwen Model. *Linguistic Research*, 8(7), 71-89. dor:20.1001.1.23223081.1396.8.7.7.7. [In Persian]

Sahebi, S. & others. (2010). A Study and Critique of Golestan Validity Based on the Theory of Critical Discourse Analysis. *Persian Language and Literature Research*, (16), 109-133. [In Persian]

Vandik, T. E. (2007). *Opinions and Ideologies in the Press*, translated by Zahra Haddad and Kowsar Shahni. *Media*, 18(4), 85 – 118. .dor:20.1001.1.10227180.1386.18.4.4. [In Persian]

«Identification» in the poem of Seyyed Ashraf al-Din Gilani (Nasim Shomal)
(Based on The representation of social actors of Van Leeuwen)

Dr. Tahereh Mirhashemi¹, Dr. Zahra Rajabi²

۵۹۴

Abstract

Seyyed Ashraf al-Din Gilani (1249-1312) is one of the influential poets of the constitutional era Which had an effective role in awakening the people of its time With the publication of the political-social newspaper Nasim E Shomal. «Identification» is one of the discourse-based components of his poems which is itself a sub-category of a more general component called "classification". In the present research Authors using the Van Leeuwen,s (1996) model of representation of social actors to study the «Identification» in the poem of Seyyed Ashraf al-Din Gilani and to answer these questions: 1. This Discursive Structures has led to the representation of which social actors in Nasim Shomal's poetry; What is the use of Identification in Seyyed Ashraf's poetry? In order to answer the research questions in a completely inductive method, the authors have extracted and classified the types of Identification from the Nasim Shomal Koliat and then have examined the research data by using a descriptive-analytical method. According to the research data, different types of Identification (Classification, Relational identification and Physical identification) have led to the representation of several social actors in Nasim Shomal poetry, some of which are: Iranians, women and girls, the poor, children and youth, Muslims (Classification); Widows, poor children, orphans, bereaved mothers (Relational identification) and Golrkhan, Lalehrkhan, Mahroyan (Physical identification). Using this discourse-based component, he represented the unfavorable situation of many of his contemporary social actors and, while criticizing the current situation, called on these actors, who were often the general public and the main audience of Nasim Shomal's poetry, to strive for a favorable position.

Keywords: Constitutional Poetry, Seyyed Ashraf al-Din Gilani, Critical Discourse Analysis, Van Leeuwen's Model of Social Actors, Classification, Identification.

¹ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak University, Arak, Iran. (Corresponding author) t-mirhashemi@araku.ac.ir

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak University, Arak, Iran. z-rajabi@araku.ac.ir